

# افشاگر بهای دانشجویان مسلمان پیر و خط امام باید برخورد جدی و مسئول کرد

## مسئول کرد

کسانی را که بموجب این اسناد متهم به داشتن ارتباطات پنهانی و غیرقانونی با لانه جاسوسی آمریکا هستند، از اتهامات وارده به آنها براساس سند و در نتیجه مسئله پیکر و محاکمه قانونی آنها را منتفی نمایند.

متأسفانه دادستانی انقلاب هم نسبت به اسناد افشاشده و کسانی که در این اسناد متهم به ارتباطات غیر قانونی و نامشروع و پنهانی آنان با سفارت آمریکا هستند، برخوردی جدی و پیکر ندارند. بدین معنا که، اولاً از نتیجه بازپرسی از کسانی که بازداشت شده اند - با اینکه وعده داده شده - هنوز اقرار عمومی مردم، جز آنچه که در اسناد افشاشده آمده است، اطلاع دیگری ندارد.

ثانیاً بازم با اینکه وعده داده شده که محاکمه علنی این بازداشت شدگان «بزودی» انجام میگیرد، هنوز خبری از این محاکمات نیست.

ثالثاً از سرانجام کار مهمانی که قرار کرده اند و میباید غیبا محاکمه شوند، بازم اقرار عمومی بیخبر است.

رابعاً مهمانی که در کشور هستند و برخی ها بقیه در صفحه ۷

در اسنادی که تاکنون از جانب دانشجویان مسلمان پیر و خط امام از لانه جاسوسی آمریکا بدست آمده و افشاگر دیده نام بسیاری از شخصیت های مسئول که در سایر ارگانهای مختلف دولت شاغل مقامهای مسئولی بوده هستند، در ارتباط با آمریکا، به میان آمده است.

در آخرین اسنادی که روز ۱۳ اسفند بوسیله دانشجویان مسلمان پیر و خط امام از صدوسیما جمهوری اسلامی ایران پیش گرفته، از روابط شخصیتها و گروهها و سازمانهای جدیدی سخن به میان آمده است.

تاکنون از کسانی که طبق اسناد افشاشده، متهم به داشتن ارتباطات نامشروع و همکاری با سفارت آمریکا بوده اند، امیرانتظام، مرافقهای و درباردار علوی مورد پیکر قرار گرفته اند، که امیرانتظام و علوی بحکم دادستانی انقلاب در بازداشتند و مرافقهای علوی به فرار از کشور رفته است.

از جانب پادامی اشخاص و محافل، در رابطه با افشاگرهای دانشجویان مسلمان پیر و خط امام تلاشهای زیادی بکار برده شده و میشود تا اسناد بدست آمده از لانه جاسوسی و افشاگرهای دانشجویان مسلمان پیر - خط امام را فاقد ارزش قضائی معرفی کنند تا بدینوسیله

**در ۸ صفحه امروز:**

**بانامزدهای حزب توده ایران برای انتخابات مجلس شورای ايملى از آذربایجان آشنا شوید**

مفحات ۵۰۴

**سهم این کارگران، زندگی در میان زباله و فاضلاب است**

مفحات ۳

**گزارشی از «کوت شیخ» خرمشهر**

مفحات ۶

**شوراها و سندیکاها - هر دو، لازم اند**

مفحات ۸

**پیروزی جبهه میهن پرستان زیمبابوه در انتخابات**

مفحات ۸

**مردم**

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۸۴

پنجمه ۱۵ اسفندماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵ ریال

## سناریوی تجاوز هوایی (!) در مرز افغانستان و ایران باطل شد!

بهر وسیله ممکن می گویند این دو انقلاب را تضعیف کنند و برای تیل به این هدف شوم هزاران دام می گشایند. سخن بر سر این است که چه دست هایی در کارند که ناگاهانه یا ناآگاهانه می گویند همین تبلیغات و اخبار دروغ را که مصداق زنده آن همین تجاوز هوایی در مرز ایران و افغانستان است، در همین مابین افشاندند، فضای حزن همجواری و تفاهم دولت انقلابی را برهم زدند و ابرهای تیره تشنج را بر منطقه و در مرزی که حقا باید از صلح و دوستی و تفاهم باشد، حاکم کنند جا دارد افرادی که در مواضع حساس و مسئولی قرار گرفته اند، به تهدیدات ناشی از این مسئولیتها توجه کنند و مستقیم و غیرمستقیم وسیله پخش این تبلیغات و اخبار دروغ قرار نگیرند.

زنده اند، و پادامی از آنها لباسهای سبازان افغانی را بر خود پوشانده بودند.

رادیو کابل گفت که «خبر مربوط به پرواز هواپیماهای افغانی به فضای هوایی ایران دروغ است، و خاطر نشان ساخت که تاکنون هیچ هواپیما یا هلی کوپتر افغانی به ایران وارد نشده است، زیرا دلایلی برای این کار وجود ندارد.»

این دروغ آشکار که میوه کندیته همان درخت فساد تبلیغات امپریالیستی است، در کارنامهات دیگر این سم پراکنی ها، از جمله سناریوی تهران - مکزیکو، قرار می گیرد، این مطلب بدیهی است که امپریالیست ها انقلاب ایران و افغانستان را خاری در چشم خود و مانع اساسی دست یافتن به نیات پلید ضد خلقی خود میدانند.

سازمانداری جمهوری اسلامی ایران چند روز پیش اعلام کرد که «گویا هواپیماها و هلی کوپترهای افغانی به مرز ایران تجاوز کرده اند»

سخنگوی سازمانداری اعلام کرد که «دو فروند میگ روسی و دو فروند هلی کوپتر در مرز افغانی روز جمعه ۱۰ اسفندماه به ایران وارد شدند و پس از یک ما نورهوایی ناپدید شدند.»

این سخنگو اضافه کرد که در رابطه با این جریان یک یادداشت اعتراض آمیز به مرزبانان افغانی تسلیم شد.

چند روز بعد (۱۳/۱۲/۵۸) روزنامه کیهان از قول رادیو کابل نوشت که «مخالفتان حکومت افغانستان به تحریکات مرزی در مرز مشترک ایران و افغانستان دست

## نامزد حزب توده ایران از مرودشت را به بهانه چند غلط املائی حذف کردند!

**صحنه سازی برای حذف نامزد حزب توده ایران برای نمایندگی در مجلس شورای ايملى در «صحنه»**

**□ خدامرد قزوین، دهقان زحمتکش توده ای را به جرم چند غلط املائی حذف کردند!**

هیئت بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات مجلس شورای ايملى از بخش «صحنه»، رفیق خدامرد قزوین را، در پی يك برخورد توهین آمیز، برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «فاقد صلاحیت» اعلام کرد. در پهنشدهای پس از ایراد توهین و افترا به حزب توده ایران و رفیق قزوین، نامزد حزب توده ایران از صحنه، در يك محیط متشنج ازوی امتحان املائی فارسی بعمل می آوردند و به بهانه آنکه در املائی رفیق، چند غلط املائی یافته اند، این دهقان زحمتکش توده ای را از شرکت در انتخابات، بجزم «بیسوادی» محروم کردند.

کمیته بررسی صلاحیت نامزدها، صلاحیت يك فتودال را پذیرفت، ولی صلاحیت نامزد حزب ما را، که يك کارگر است رد کرد!

کمیته بررسی صلاحیت نامزد به کشور مجلس شورای ايملى از شهر نگاهبان، نامزد حزب توده ایران، از طریق رفیق سیدجلیل آقا کوشکی را از طریق صلاحیت تشخیص داد و نام داشت. شورا ازلیست نامزدها حذف کرد.

سی اس ام ای در ادامه رفیق سیدجلیل آقا کوشکی به کمیسیون بررسی نامزدها، اعضای هیئت بررسی آموزش و پرورش، فرماندار و دیگر تشکیلات می شد، به آقا کوشکی میگویند:

چون رهبر شما کیانوردی «کونیست» است، پس حزب ان، حزب کمونیست است - بطور میخواید و در مجلس شورای ايملى شرکت کنید، که کارگر کس از اهالی مرودشت باخ می دهد.

حزب ما يك حزب سیاسی است، هر کس که بر نام حزب ما داشته باشد، صرف نظر از عقاید مذهبی خود باید عضو حزب ما شود.

رفیق آقا کوشکی سپس ایستاد که عمل آنها، «تفتیش است و این میان با قانون

## بحث آزاد برای اتحاد نیروها بسود انقلاب باید انجام گیرد

تصمیم نداشت بحث آزاد، بدنبال دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق و دبیرش رئیس جمهور، در مناظره تلویزیونی برگزار شد در این بحث آزاد و علنی مقامات حکومتی و اجرائی با بخشی از نیروهای اجتماعی، که در یک دیدار مسائل مهم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مواضع دیگری دارند، رویاروی هم نشستند و در رابطه با يك رویداد مشخص و حاد روز - حوادث خونین کید کابوس - به تبادل نظر و گفتگو پرداختند.

برگزاری چنین بحث آزاد و مناظره تلویزیونی به نفع، حتی صرف نظر از مفاد، مضمون و نتیجه آن، همچون يك اعظمای عمده دمکراسی، یعنی آزادی عقیده و آزادی بیان توده بخش است. در شرایط خاص کنونی، که انقلاب هنوز در راه است، و امپریالیسم آمریکا، این دشمن اصلی خلق و انقلاب ما، از هیچ وسیله و تحریک و خرابکاری علیه انقلاب و مردم رویگردان نیست، حفظ و تحکیم وحدت همه نیروهای اجتماعی -

چنانچه رویارویی در این زمینه، سخن بر سر این است که چه دست هایی در کارند که ناگاهانه یا ناآگاهانه می گویند همین تبلیغات و اخبار دروغ را که مصداق زنده آن همین تجاوز هوایی در مرز ایران و افغانستان است، در همین مابین افشاندند، فضای حزن همجواری و تفاهم دولت انقلابی را برهم زدند و ابرهای تیره تشنج را بر منطقه و در مرزی که حقا باید از صلح و دوستی و تفاهم باشد، حاکم کنند جا دارد افرادی که در مواضع حساس و مسئولی قرار گرفته اند، به تهدیدات ناشی از این مسئولیتها توجه کنند و مستقیم و غیرمستقیم وسیله پخش این تبلیغات و اخبار دروغ قرار نگیرند.

ضمن اعتراض جدی نسبت به اینگونه برخوردهای غیرقانونی و خلاف اخلاقی متولات امر در صحنه، خواستار توفوری این تصمیم غیرقانونی و مواخذه توطئه گران قانون شکنان هستیم.

فرماندار مرودشت نیز در پاسخ به رفیق کوشکی میگوید که او خود شخصاً مخالف با نامزدی رفیق آقا کوشکی نیست. رفیق کوشکی بسیار دیکر به «کمیسیون بررسی» مراجعه می کند، ولی باردیگر رفیق مارا مرودشت می شمارند. رئیس آموزش و پرورش میگوید: «شما حق

فرماندار مرودشت نیز در پاسخ به رفیق کوشکی میگوید که او خود شخصاً مخالف با نامزدی رفیق آقا کوشکی نیست. رفیق کوشکی بسیار دیکر به «کمیسیون بررسی» مراجعه می کند، ولی باردیگر رفیق مارا مرودشت می شمارند. رئیس آموزش و پرورش میگوید: «شما حق

## سخنرانی انتخاباتی رفیق کیانوری

روز جمعه ۱۷ اسفندماه ۱۳۵۸، ساعت ۳ بعد از ظهر، در محوطه شمال غربی میدان آزادی، رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، در باره برنامه نامزدهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورای ايملى سخنرانی خواهد کرد.

از همه مردم میهن دوست و زحمتکش تهران دعوت میکنیم که برای آشناسدن با برنامه نامزدهای حزب توده ایران، در این میتینگ انتخاباتی شرکت کنند.

**رفیق سیاوش کسرائی به دعوت حزب ملت ایران در مراسم یادبود دکتر محمد مصدق شرکت کرد**

صفحه ۷

## اعلام جرم رفیق مهوش حدیدی نامزد نمایندگی حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورای ايملى علیه «هیئت اجرائی» فرمانداری کرمانشاه

سازمانها در انتخابات، طبق واد قانون اساسی و طبق لایحه قانونی وزارت کشور هیچ موردی دال بر عدم امکان شرکت در انتخابات مجلس وجود ندارد.

این تشکیلات «هیئت اجرائی» بر اساس کدام ضوابط است؟ عمل هیئت اجرائی بدون شک نقض خشن قانونی اساسی و قانون انتخابات است. ترکیب هیئت اجرائی، ناصالح بودن و در حقیقت مغرض بودن اکثریت اعضا این هیئت را برای تشخیص صلاحیت کاندیداها بر ملا می کند. فرماندار

کرمانشاه در مراسم هیئت، صراحتاً مخالفت خود را با حزب توده ایران اعلام کرده است و یکی دیگر از اعضا این هیئت «رئیس آموزش و پرورش» خود کاندیدای انتخابات مجلس شورای ايملى است.

اینک این سؤال برای من مطرح است که، «هیئت اجرائی» واقفاً به علت «عدم حسن شهرت» مراد محروم کرده است. یادقیقا بخاطر «حسن شهرت»؟! بی توجهی نسبت به نتیجه این نوع اعمال، بدعتی خواهد شد تا هر مقام هیئت رسمی بر اساس معیار

حزب ما يك حزب سیاسی است، هر کس که بر نام حزب ما داشته باشد، صرف نظر از عقاید مذهبی خود باید عضو حزب ما شود.

رفیق آقا کوشکی سپس ایستاد که عمل آنها، «تفتیش است و این میان با قانون

## نامزدهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورای ايملى مدافع استقلال، آزادی و منافع زحمتکشاند

انتخاب آنها، به تحقق هدفهای ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی انقلاب بزرگ مردم ایران کمک کنید

روز جمعه سوم اسفند، نیروهای ضد انقلاب در افغانستان که از جانب امپریالیسم آمریکا، پاکستان و چین تحریک سازمان داده شده بودند، تلاش کردند که در کابل، پایتخت جمهوری دمکراتیک افغانستان، دست به توطئه بزرگی بزنند و در این شهر شورش و پلوا بیاکنند. نیروهای نظامی جمهوری دمکراتیک با همبازی گروههای کارگری مسلح و جوانان انقلابی این توطئه را سرکوب و عاملین آنرا دستگیر کردند.

استاد ومدارکی که از عاملین این توطئه بدست آمد، باردیگر چهره واقعی نیروها و گروههای ضد انقلابی را که زیر پرچم اسلام، با تحریک و حمایت امپریالیسم آمریکا و شرکت مستقیم عوامل سیا ودوایر جاسوسی چین، پاکستان، اسرائیل و مصر علیه رژیم انقلابی و دمکراتیک در افغانستان اقدام میکنند، رسوا نمود.

از عاملین توطئه در کابل، که در میان آنها عدهای پاکستانی و یک نفر آمریکایی از ناموران «سیا» دیده میشود، اسلحه و مهماتی بدست آمده که همه ساخت آمریکا و چین است.

در برنامههای تلویزیونی کابل، استاد ومدارک دستگامهای فرستنده و اسلحه و مهماتی که در جریان سرکوبی توطئه، بوسیله ارگانهای امنیتی جمهوری دمکراتیک افغانستان بدست آمده و نیز عاملین توطئه که دستگیر شده اند، به معرض نمایش گذاشته شد. استاد سوزی، عضو شورای انقلاب جمهوری دمکراتیک افغانستان، در مصاحبههای با خبرنگاران اظهار داشت:

گروههایی از تروریستها، با توطئه و تحریک ضد انقلاب و حامیان خارجی آنان آمریکا، پاکستان، چین و اسرائیل قصد داشتند در پایتخت جمهوری دمکراتیک افغانستان با اقدامات خرابکاری و تروریستی اهالی را مرعوب و اوضاع را متشنج سازند، اما با مقاومت جدی زحمتکشان شهر کابل، که با قاطعیت مدافع دستاوردهای انقلابی خود هستند، روبرو شدند. گروههای تروریستی از جنایت با ترسناکترین شیوههای ترس و ترور استفاده کردند. از جمله در یکی از حملات شهر کابل آتش سوزی ایجاد کردند و بمبضی در سید ماموران آتش نشانی آنها را به تیر پارسی کردند.

عاملین دستگیر شده این توطئه، در اعترافات خود گفتند که منظور فلج کردن زندگی در شهر، قصد داشته اند به بانکها و مفازها حمله کنند و وسائل نقلیه شهری را با تخریب و آتش سوزی از کار بیاورند.

سرکوب توطئه ضد انقلاب در روز جمعه سوم اسفند در کابل بار دیگر این واقعت را تأیید کرد که زحمتکشان افغانستان -

# در کشور خود دفاع میکنند

آموزش می بینند. وی اظهار داشت، «یکسال پیش در پاکستان گروه ویژه ای به ریاست روبرت تارو یکی از ناموران سرشناس سیا تشکیل شد. همه این گروهها در پاکستان متمرکز هستند و بوسیله سفارت آمریکا در اسلام آباد رهبری میشوند.» کتر ادینگل متذکر شد که این اقدامات آمریکا علیه افغانستان نقض حقوق حاکمیت و استقلال افغانستان و یک تجاوز علیه آن کشور است.

این اظهارات جای کوچکترین تردیدی باقی نمی گذارد که نیروهای ضد انقلاب در افغانستان که زیر پرچم «اسلام» علیه انقلاب دمکراتیک در افغانستان به شورش برخاسته اند، از جانب محافل امپریالیستی سازمان داده شده اند، بوسیله امپریالیسم آمریکا، چین و پاکستان و دیگر رژیمهای ارتجاعی در منطقه پشتیبانی می شوند و از لحاظ اسلحه و وسائل جنگی توسط آنها تجهیز میگردند و آموزش می بینند و به خاک افغانستان اعزامی شوند.

با اینکه دولت انقلابی افغانستان بارها پشتیبانی خود را از انقلاب ایران اعلام داشته و یاد آور شده است که خواستار برقراری روابط دوستانه و حسن همجواری با کشورهای همسایه، بویژه جمهوری اسلامی ایران است، متأسفانه در مطبوعات و رسانه های گروهی ایران، اخبار مربوط به رویدادهای افغانستان، که از منابع امپریالیستی و گروههای فراریان افغانی نقل میشود، تصویر کاملاً تحریف شده ای از واقعیت این رویدادها و از جمله توطئه ضد انقلابی روز جمعه سوم اسفند در کابل بدست میدهند. این برخورد به رویدادهای افغانستان با منافع انقلاب ایران مناسقات دارد. انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران و نیز انقلاب افغانستان و رژیم دمکراتیک در آن کشور دشمنان مشترکی مانند امپریالیسم آمریکا و رژیمهای ارتجاعی دست نشانده آن در منطقه دارند. منافع هر دو انقلاب و استقلال هر دو کشور ایجاب می کند که روابط میان این دو کشور همسایه، دوستانه و مبتنی بر برابری حقوق و احترام متقابل باشد.

کارگران، دهقانان، جوانان و روشنفکران از دستاوردهای انقلاب و رژیم دمکراتیک در کشور خود در برابر نیروهای ضد انقلاب و مداخله گران خارجی با قاطعیت دفاع میکنند.

رسانه های گروهی و خبرگزاریهای امپریالیستی تلاش زیادی بکار بردند تا واقعت این توطئه را تحریف کنند و آنرا بعنوان «قیام و شورش اهالی کابل علیه رژیم دمکراتیک و واحدهای نظامی شوروی، که به تقاضای دولت افغانستان در آن کشور هستند، جلوه دهند. متأسفانه رسانه های گروهی و برخی مطبوعات ایران هم به نقل از همین خبرگزاریهای امپریالیستی رویدادهای جمعه سوم اسفند در کابل را بهمان طریق منتشر ساختند و پیامهای از روزنامه ها زیر عنوان های درشت آنرا «جمعه سیاه» نامیدند.

روزنامه کابل نیوتایمز، چاپ افغانستان، به شرکت مستقیم عاملین سیا در قاطعیت گروههای خرابکار و تروریست که از خارج به جمهوری دمکراتیک افغانستان اعزام میشوند، اشاره کرده می نویسد: «متجاوز از یکسال پیش، روبرت لاش سارو، مامور سیای آمریکا در پاکستان، دستجات تروریستی را از فراریان افغانی سازمان داد و آنها را به خاک افغانستان اعزام داشت. این روزنامه فاش میکند که در توطئه های اخیر در کابل سه عامل اصلی دیگر از سازمان سیا به نامهای جون ریگان، داوید ترو و ریچارد چکین مستقیماً شرکت داشته اند.»

ضیاء نصری، رهبر یکی از گروههای ضد انقلابی افغانستان، در این اواخر در واشنگتن بامدوگ مشاور رئیس جمهور آمریکا ملاقات کرد. در این ملاقات مسئله کمک تسلیحاتی و جنگ افزارهای آمریکایی بمبلغ ۴۰ میلیون دلار به شورشیان افغانی بررسی شده است. هارولد براون وزیر دفاع آمریکا اعتراف کرد که سلاحهای ساخت آمریکا که به پاکستان تحویل میشود، ممکن است بدست شورشیان افغانی بیفتد. کتر ادینگل، سردبیر مجله آمریکایی کانتر اسپای، طی مصاحبه ای با روزنامه دیلی ورلد اظهار داشت:

شورشهایی که علیه افغانستان عمل میکنند، بوسیله اداره جاسوسی آمریکا، یعنی «سیا» سازمان داده شده اند و

## در مطبوعات کشور

### استاد تهرانی خواستار انتشار صورت مذاکرات شورای انقلاب شد

استاد علی تهرانی در نامه ای به رئیس جمهور خواستار انتشار متن مذاکرات شورای انقلاب در باره ایقایی دومرحله ای شدن انتخابات شد. متن نامه بشرح زیر است:

بسمه تعالی شاه تهران، رئیس جمهور و رئیس شورای انقلاب اسلامی ایران جناب آقای دکتر سید ابوالحسن پیرمدر دام توفیق - رونوشت به رادیو تلویزیون - یا آن که اکثر احزاب و گروهها و صاحب نظران دولسوزان امت طرح لزوم اکثریت آراء که منجر به دو مرحله ای شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی (ملی) میشود را مغایر قانون اساسی و محدود کننده اصل حاکمیت ملی دانسته اند، بر طبق سندی جمهوری اسلامی، شورای انقلاب دوباره بر تصمیم سابق خود تأکید کرده است.

پافوچه به این که نمیی از اعضای آن شورا قبل از طریق وسائل ارتباط جمعی یا سخنرانیها و مصاحبه ها مخالفت خود را با آن طرح اعلام کرده اند، تصویب آن در نظر ملت ایران در نهایت بعید می آید. از جناب عالی به عنوان رئیس شورای انقلاب اسلامی خواستارم که صورت مذاکرات این جلسه شورا را از طریق وسائل ارتباط جمعی در معرض آگاهی مردم قرار دهید. چه این شورا در موضع قانونگذاری قرار دارد و ملت ایران حق دارد از کیفیت اتخاذ تصمیمی که برایشان سرنوشته ساز است، آگاه شود.

علی تهرانی ۱۱/۱۱/۵۸ (کیهان، ۱۴ اسفند)

## لیبرال های وطنی خودمان از اعتبار سیاسی واژه آزادی برای توجیه منافع خود و اربابانشان بهره می جویند

جهان جنینی سرمایه داری، مالکان بازر تولیدی کلان هیچگاه بپردازن توضیح نمی دهند، که این مالکیت چگونه به پر شدن جیبهای کشاد آنان منباجد، بلکه همیشه استدلال میکنند که مالکیت خصوصی این ابزار، تضمین کننده آزادیهای مردم و محدود ساختن آن تجاوز به حریم این آزادیهاست، لیبرالها، لیبرالهای وطنی خودمان، پیش از آنکه مفهوم آزادی را برای خلق بشکافند، از اعتبار سیاسی این واژه برای توجیه منافع اقتصادی خود و اربابانشان بهره می جویند. و هنگامیکه مشیر قسط و عدالت، برای بریدن ریشه های استثمار و برای محو آزادی غارت و چپاول آخته می گردد، با علم کردن همین آزادی، آزادی مقدس، بعنوان دفاع از حقوق بشر و قرآن و اسلام گلو می درازند. شمار های ناسیونالیستی هم از این قبیله اند که عمدتاً در زیر چتر و خیمه دلترب اصطلاحات مبهم «وحدت ملی» و «هویت ملی» (واژه گانی که محمد رضا خان به کار بردنش از آزادیانش خوب یاد گرفته بود) وحدت بین ستمکاران، ستمکشسان و استثمارگران و استثمار شونده گان ممکن می سازند. بیماری دیگر شمارهای ناسیونالیستی عمدتاً در جهت اتحاد مستقیمین و مستکبرین! بر علیه دشمنان خارجی موهم ملات کارآمدی است.

(جمهوری اسلامی، ۱۱ اسفند)

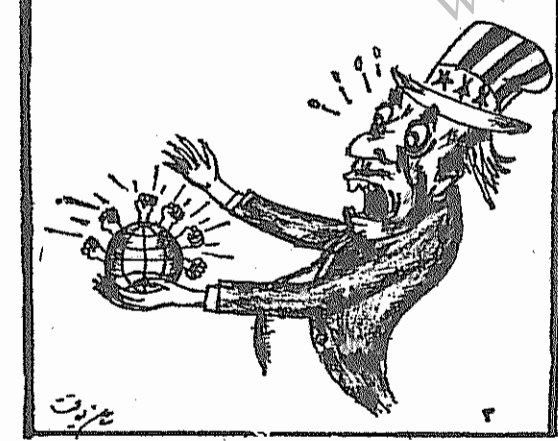
## درباره انتخابات دومرحله ای آب پاکتر در دست مردم

دیشب در جمع بحث آزاد که از طرف سازمان اسلامی فجر امید در یکی از مساجد تهران برگزار شد دکتر سامی وزیر پیشین بهداشتی در جواب دکتر حبیبی عضو شورای انقلاب و وزیر فعلی علوم و فرهنگ که گفته بود شورای انقلاب با تصویب مجدد دومرحله ای کردن انتخابات مجلس شورای ملی آب پاکتری در دست همه ما ریخت پاسخ داد همیشه ملت آب پاکتر را روی دست همه خواهد ریخت، واقعا نمی دانیم چرا شورای انقلاب چنین کرد؟ آیا فقط به خاطر مصالح جامعه چنین کرد؟ و یا اصولاً بر طبق ضوابط اسلامی ۵۱ درصد باید حکومت کند و دیگران به هیچ انگاشته شوند؟ با شناختی که از ترکیب شورای انقلاب داریم آرزو مندیم که تحت تأثیر فلسفه حزبی قرام نگرفته باشند و برای پیروزی مطلق سیاسی کاری پیش نکرده باشند، چون آنچه مسلم است این شیوه که در فرانسه متداول نوعی دغل بازی سیاسی دوگلو بود تا گروه خاصی از گروه خارج بماند، بخصوص هنگامی شک و تردید بیشتر می شود که دکتر حبیبی گفت آقای بنی صدر هم جزو مخالفین دومرحله ای شدن بودند. ولی چه کنیم که نتوانستیم رای لازم را در شورا بیاوریم. آیا قابل تعمق نیست که رئیس جمهور منتخب مردم به باین طرح مخالف بود. ضمن اینکه قبلاً شخصیت های سیاسی و مذهبی بسیاری هم با این طرح مخالفت کرده بودند، بخصوص افرادی چون استاد تهرانی و استاد محمد تقی شریعتی، که به هیچ گروه و دسته ای تعلق ندارند، نظر بایستاد را گفته بودند، البته طریح شورای انقلاب در مورد شریعتیانیه که فقط یک نماینده دارند، منطقی است، چون باید حداقل نماینده اکثریت این شورا باشد، ولی در مورد شهرهای بزرگ این مسئله قابل قبول نیست. و اصلاً نسبت از مکتب هم نمی تواند باشد، چون شورا در اسلام نهادی منعی غریب ۵۱ درصد است، بلکه دربرگیرنده نظرات تمامی مردم در مجلس باید باشد. به امید آنکه یکبار دیگر اعضای محترم شورای انقلاب با سمسدر بیشتری با مسئله برخورد نمایند و ملت را از تکرار این نظام گمشده سازند، قبل از آنکه بقول سامی آب پاکتر را مردم بریزند.

(انقلاب اسلامی، ۱۱ اسفند)

## بحث آزاد...

بقیه از صفحه ۱ دمکراتیک و پیشرفته است و چهره مناسبی بین آن نیروهای اجتماعی سیاسی که منافع مادی و معنویشان در دست تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب ماست، نه تنها میسر نمیدهد بلکه لازم و ضروریست. مانظر خود را این امر بفرمایید، آزاد و طرز برگرایی آن بی داشته، حاضر بودن برایش فعال و سازنده در بحث آزاد و باره مسائل مهم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را اعلام کرده ایم.



(آزادگان، ۱۳ اسفند ۱۳۵۸)

دین می شود، و دچار خفگی میگشت. اهداف غیر اصولی جای هدف اصلی و عمدتاً می گرفت اشغال سفارت و دست یابی به اسنادی که مصرف توطئه های امپریالیسم در زمین ما بود، مردی را که زیر فشار مخدرا، به خواب می رفت تا کند داد متوجه دشمنی نمود که کم فراموشی می کردند. مردم تصور نسبتاً روشنی از عملکرد استعمار گران بدست آوردند - اگر پیش از آن آمریکا را در تجاوز نظامی اش در ویتنام و لشکر کشیها و کودتاهایش می شناخته، اگر نفوذ عمیق و روابط پنهانی آن با مزدوران و توطئه گران و نیز سازشکاران و لیبرالها می شنیدند، متوجه می گشتند که شیطان مکار و پلید با چهره و شایه های پیچیده ای قصد غلبه بر انقلاب را دارد و چگونه از

سالها قبل یک جریان سازشکارانه را در برابر جریان انقلابی، حمایت و تقویت می کرده است. متوجه می شدند که در میان کسانی که بنام انقلاب و همگامی با امام در رأس قدرت و مسئولیت قرار دارند، جریان سیاست سازشکارانه ای وجود دارد که در خط انقلاب و امام نیست. اگر چه تظاهر به حمایت از انقلاب و طرفداری از امام می کنند اما، عملاً در خط آمریکا حرکت می کنند. مردم تا حدودی دریافته اند که نباید روی ظواهر و شمارها و ادعاهای قضاوت کنند - دشمن کوچک دبی احمیتی نپندارد، کار آمریکا را در ایران تمام شده تلقی نکنند، نفوذ آنرا با یابان یافته ندانند، ارتش آمریکا را در سایه های و سر بازاتش محدود ندیده - سرمایه داران وابسته سازشکاران و فئودال جها و دیگر مزدوران و جاسوسان را ارتش واقعی آمریکا در ایران بدانند مردم دریافته اند که بعد از ۲۲ بهمن نه فقط آمریکا ایران را ترک نکرد بلکه سفارت را هم مرکز جاسوسی و توطئه علیه انقلاب ایران و همه جنبشهای منطقه قرار داده است. (امت، ۱۸ اسفند)

فرانسه، Royal Albert 27 75180 75001 Paris France

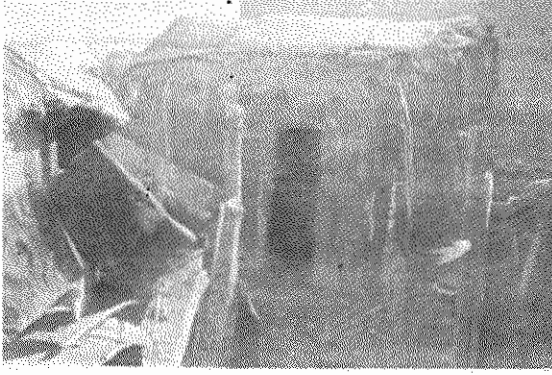
اعمال رئیس دادگاه شهرستان خوانسار مغایر با قانون اساسی است روز ۵۸۱۲۹۹، در نظر از رفقای ما به اساسی، فضل الله احمدیان و امیر عظمی که اعلامی های حزب توده ایران را در خوانسار پخش میکردند، توسط یاسا ابران دستگیر و پس از ازیاراد ضرب و جرح بوسیله رئیس دادگاه انقلاب این شهرستان بمدت ۲۸ ساعت زندانی شدند. بر خود رئیس دادگاه با رفقای ماجن زشت و خصما، بپوش که پس از آزادی رفقا، بعضی پاسداران از آنان عذر خواهم می کنند. رئیس دادگاه علاوه بر کتک زدن یکی از رفقای ما از خواست که دست از عقابش بردارد و نام هواداران حزب را هم در اختیارش قرار دهد. رفیق مضمون اعتراض به رفتار خستون آمیز رئیس دادگاه نقض عقیاب را مغایر با قانون اساسی دانست ولی رئیس دادگاه در جواب گفت: «حاکم شهر من هستم و هر کاری که دلم خواست انجام میدهم، ماضین اعتراض شدید به اینگونه اعمال خلاف قانون، که جز ایجاد تشنج و تفرقه، اثری ندارد، از دولت میخواهم که اعمال خود سرانه و خلاف قانون بعضی از مسئولین امر، قاطعاً جلوگیری کند و قانون شکنان را مورد مواخذه قرار دهد.

بقیه از صفحه ۱... نام نو... کارگران... می توانند در خارج از کشور... به آدرس های زیر... «مردم» مکتبه کنند... فرانس، Royal Albert 27 75180 75001 Paris France... سوئد، Box 27730 7730 Stockholm

دیداری از «کوت شیخ» خرمشهر

سهیم این کارگران ندگی در میان زباله و فاضلاب است

مجلات فقر



یکی از خانه‌های هالی که سرمایه‌داری وابسته برای کارگران ساخت

۳ ماه از سال کار هست، فصل خرما که تمام شد، کارگران را اخراج می‌کنند.

مدرسه رفتن برای بچه‌های کارگران کوت شیخ فقط یک شوخی تلخ است

پرکاره کارون دستت را چشم‌انداز چشم کن. بنگر. خیزاب‌های کارون عبور کن. ط آن ساختمانهای لوکس با بکری ویش برو. از کوره باهای گل گرفته بگذر. آنگاه به «کوت شیخ» برسی. محله‌ای از هزاران محله تکت زده ایران. محله‌ای که «نمایشگاه فواید سرمایه داری» را برای حشکشان برپا کرده‌اند. محله‌ای مثل دولت آباد تهران، محله‌ای گودهی پایتخت، محله‌ای مثل شیراز، محله‌ای مثل کوهرا، محله‌ای زانگه هک کوت شیخ: محله‌ای زانگه صداهانسان

برحسب عادت آنرا «خانه» می‌نامند، بعضی از گل و بعضی از زیا و کاهگل و بعضی از تکه تخته ویا بریده حلی درست شده است. هر اطراف را دختله نام نهاده‌اند. در اطراف اکثر این «خانه» ها دیواری وجود ندارد.

بیفوله‌ها در زمین‌های یکی از بازرگانان خرمشهر بنام حاج مهدی بازرگانی قرار دارد. کوچه‌ای از خیابان پایندر به این ناحیه می‌رسد، بنم کوچه گلستان. بیشتر اهالی در چرداق (۱) بازرگانی کار میکنند. کاردر چرداق‌های خرما در سال چند ماهی (حدود ۳ و حداکثر ۴ ماه) بیشتر طول نمی‌کشد. در این مدت کارگران چرداق در روز بین ۱۲ تا ۱۴ ساعت کار میکنند و به ازاء هر صندوق خرما (۱۸ کیلو)

۳۰ ریال مزد میگیرند. نیرومند ترین کارگرها در روز حداکثر ۶ صندوق را تمام میکنند و ۱۸۰ ریال مزد میگیرند. تا وارد کوت شیخ میشوی، مردم دورت جمع میشوند. همه عیله دارند و توی حرف یکدیگر می‌دوند: «آب نداریم، برق نداریم، چاه نداریم بخوابیم، کار نداریم، پول نداریم... هیچی نداریم.»

تعب می‌کنند چطور شده که کسی آمده است از این محله عکس بگیرد و احوال آنها را بپرسد. آنها باها را خواش کرده‌اند، نامه نوشته‌اند، ولی فقط یکبار موفق شده‌اند فرماندار را به محل بکشانند و بعد از آنهم خبری و نتیجه‌ای از بازدیدش نشده است. زن جوانی که میخواهد بیفوله‌اش را ببینیم می‌گوید:

«من و شوهر و شوهر و بچه‌ها ایمان، که معصوم ۱۴ نفر هستیم، فقط این اطراف را داریم که در آن بخوابیم. هر وقت که باران بیاید عزا داریم. تا صدمه مریضی بعد از آن مرتب رختخوابیم. هایمان خبی میشود. زیر رختخواب خوابیم فییر انداخته‌ایم، ولی فایده ندارد. هر آن ممکن است این خرابه‌ها روی سرمان خواب شود. زیر انداز ما حصر است و فقط این گلیم پاره زیر انداز بافتی است. تازه اینجا را همراه با قدر هایمان هر روز در آفتاب می‌گذاریم تا خشک شود که شب بتوانیم از آنها استفاده کنیم می‌بینید دیوار این ما و سسایه‌ها فقط چند تکه فییر است. شوهرم یکبار است. گواهینامه هم دارد، ولی کسی ماشین به او نمیدهد تا

روی آن کار کنند. و الان از لوله فشاری برای مردم با بیت آب‌حجل می‌کند و از این راه درآمدی دارد و این درآمد فقط برای غذای بخور و نمیر ماست.»

زباله هم اضافه میشود در مورد آب و برق می‌پرسیم می‌گوید:

«آب از منازل کوچه بالا (کوچه گلستان) می‌گیریم و ماهی هم پنجاه تومان به آنها میدهم، که خیلی زیاد است. برق هم از همانجا بصورت سیار کشیده‌ایم.»

دیگری توی حرفش می‌دود: «تمامی سال شپرداری اینجا زباله میریزد، آب باران هم رویش جمع میشود. بدش معلومه چه آشی درست میشود. تازه کوچه‌ها هم همیشه کثیف و پر- زباله هستند و فاضلاب هم توی کوچه‌ها میریزد. اینجا همه باعث مرضی است. مریض هم که بشویم دیگر مکافات است. اگر به شیر- و خورشید برویم، شش‌تومان از ما میگیرند، که نمیتوانیم بدهیم. لاستیکهای مدرسه کامیون‌ها را گذاشته‌ایم سر راه و بدین وسیله راهی درست کرده‌ایم که بتوانیم از میان آب رد شویم.»

یکی دیگر از ساکنان بنام حیل اسلحاری، با یک مشت کاغذ جلوی می‌آید و میگوید: «من چائی ندارم. پیش این و آن میخوابم و قبلا در منازل کلفتی میکردم. الان این کار هم دیگر پیدا نمیشود. گاهی گسداکی میکنم. با پول گداکی و کلفتی، با هزار بدبختی سی تومان جمع کردم و دادم این عریضه را نوشتند. و به فرمانداری دادم. فرمانداری مرا به چهارم‌سازندگی حواله کرد. ولی هیچکس آنرا از من نگرفت. شما بتویسید. به امام بفرستید.



یک خانواده کارگری تنها زیر انداز «خانه» خود را به آفتاب آورده است، تا خشک شود.

ما هیچ نداشتیم. الان هم نداریم. زن دیگری بنام سکینه چند تکه کاغذ ماشین شده را که در دست دارد، نشان میدهد و می‌گوید: «بعد از چند بار شکایت و عرضحال که کردم، این کاغذها را بمن دادند. راجع به منزلت بودم. مربوط به دوره بازرگان بوده.»

کساغذها تاریخ ۲۶/۲/۵۸ را بر خود دارد. این جوابیها مانند هم است و تقریباً به همگی اهالی محل از این نوع کاغذها داده‌اند، فقط جای اسم و تاریخ نقله‌چین شده است، که مسئولین فرمانداری آنرا پس کرده‌اند و دست مردم داده‌اند. این نامه‌ها مبنی بر این است که در اجرای دستورات امام خمینی جهت ایجاد مسکن برای مستضعفین، فرمانداری اقدامات اولیه انجام داده است و پیگیری میکند. مردم میگویند: «ولی واقعا هیچ کاری صورت نگرفته است.»

می‌پرسیم: بین این همه کمبودها و احتیاجاتی که دارید، کدام یک واجب‌تر و لازم‌تر است؟ در جواب، همه آنها از مسکن نام می‌برند و میگویند: «مسکن ما را باید هر چه زودتر درست کنند. دو سه خانواده را از اینجا کوچ داده‌اند، ولی بقیه همینجا مانده‌اند. بما گفته‌اند که برای شما چهار میزیم و ایسن

خلافه‌ها را خراب می‌کنیم و مجددا همین جا روی این خرابه‌ها برایتان خانه می‌سازیم. ما قبول کردیم، ولی هنوز خبری نشده است.» صحبت از مدرسه رفتن بچه‌ها برای آنها در حکم شوخی تلخی است. بچه‌ها همینکه دست چپ و راستشان را شناختند، باید بروند کار کنند و لقمه‌تانی بدست آورند. مدرسه خرج دارد. بچه‌ها باید کمک در و مادر باشند، که نان خانه تأمین شود. یکی از ساکنان این محله می‌گوید: «من از زمان کودتای شاه خائن اینجا توی چرداق بازرگانی کار می‌کنم. ما همینجا زندگی میکردیم. بعضی از خاله‌ها را همانجا برای ما درست کردند، که بتوانیم اینجا بمانیم. در سال‌وقتی که خرما چیده شد، برای ما کار درست میشود و بعد از حداکثر ۴ ماه کار تمام میشود، یعنی یک فصل در سال و بعد هم راهیرون می‌کنند. از یقه و پیداشت و سابقه خدمت و از این قبیل حرفها خبری نیست.» او میگوید: «امید ما فقط به امام است و پس.»

(۱) چرداق: محلی است که محصول خرما را، که از باغات اطراف بدست می‌آید، در آنجا میدهند. کارگران چرداق خرما می‌روند و هر صندوق را تمیز می‌کنند، یعنی هسته و سایر اضافات متصل به آن را از آن جدا می‌کنند.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند

نویسی در حزب توده ایران ایران و زحمتکشان حزب توده ایران که حزب ثبت نام کنند، در شهرستانهای دفا تر حزب توده ایران برای نام نویسی آماده است. متقاضیان هنگام ثبت نام حتما شناسنامه خود را همراه داشته باشند.

از کمهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم اسفندی از بران شوایک (آلمان فدرال) ۲۰۰۰ ریال ۲۱۵۵ ۲۰۰ ۱۷۶۰۰۰ ۶۰۰ ۴۰۰ ۴۰۰ ۴۰۰ ۳۰۰

عوامل وابسته به رژیم گذشته و ساواکیها اخیراً برای نفاق افکنی بین مردم به شیوه‌های جدیدی روی آورده‌اند. یکی از خوانندگان روزنامه مردم، که خود شاهد یکی از این ترندها بوده است، مینویسد: «روز جمعه، چند نفر در مقابل دانشگاه تهران ایستاده بودند و مرتب می‌گفتند: «کمونیست‌ها را باید کشت. بخدا سوام داد! اگر مسلمان هستی باید چنین کاری را بکنی تا پیش خدایوسفید گردیده» رهگذران شدیداً به این افراد اعتراض میکردند و سخنان آنها را «آرمان‌مهری» میخواندند. ولی البته این مسلمان‌ها نمازگوشان به این حرفها بدکار نبود و پشت سر

یکشنبه‌ها: «مردم» بزبان کردی هموطنان کرد مقیم تهران میتوانند روزنامه مردم بزبان کردی را، که روزهای یکشنبه منتشر میشود، از کیوسکهای مختلف تهران دریافت دارند.

شیوه‌های جدید نفاق افکنی



# سوی مدافع استقلال، آزادی و منافع زحمتکشان اند

در ۱۳۳۴، در تهران فعالیت کرد. وی در ۱۳۳۵ به بلور نیایی به ...  
 در ۱۳۳۴، در تهران فعالیت کرد. وی در ۱۳۳۵ به بلور نیایی به ...  
 در ۱۳۳۴، در تهران فعالیت کرد. وی در ۱۳۳۵ به بلور نیایی به ...

## خسرو امیر خسروی (بابک)

رفیق خسرو امیر خسروی، در سال ۱۳۰۶ در تبریز متولد شد. وی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در همین شهر، برای ادامه تحصیلات به تهران آمد و در سال ۱۳۲۴ وارد دانشگاه تهران شد و در رشته مهندسی ساختمان از دانشکده ...

فنی فارغ التحصیل گردید. رفیق امیر خسروی از ۱۷ سالگی راه پراختار حزب توده ایران را برگزید. در سالهای ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۴، رفیق امیر خسروی مسئول تشکیلات حزب در تبریز بود. در شهریور ۱۳۲۶، بدنبال کودتای ننگین ۲۸ مرداد، در مراجعت از قزوین به تهران مراجعت نمود. پس از آزادی از زندان، به تبریز آمد و به فعالیت مخفی خود علیه رژیم کودتا ادامه داد. در سال ۱۳۳۴ با ماموریت برای فعالیت در دبیرخانه اتحادیه بین المللی دانشجویان مخفیانه از ایران خارج شد. رفیق امیر خسروی بعنوان یکی از دبیران اتحادیه بین المللی دانشجویان، در دهها کنفرانس و کنگره جهانی، نظیر کنفرانس آسیا-آفریقا در براندونگ، کنفرانس خلقهای آسیا و آفریقا در قاهره، کنگره ...

جوانان آمریکای لاتین در آرژانتین شرکت کرد و برای ائتلاف و محکوم کردن جهانی رژیم پهلوی، معرفی جنبش انقلابی ایران و جلب همبستگی بین المللی، بجدا نه کوشش نمود. فعالیتهای رفیق امیر خسروی علیه رژیم شاه مخلوع، خشم و کینه ساواک را دست به او چوچاندان کرد. ساواک بدوا با توقیف گذرنامه او سعی با تثبیت به پلیس بین المللی، از دولتهای مختلف غربی تقاضای دستگیری و استرداد وی را کرد. بر اثر این تحریکات ساواک و با همکاری پلیس بین المللی، رفیق امیر خسروی در وین (اتریش) دستگیر شد که در اثر اعتراض بین المللی آزاد گردید. این تشبیهات چندبار تکرار شد، تا اینکه رفیق امیر خسروی در سال ۱۳۴۹ داوطلبانه خود ...

راه دادگستری فرانسه معرفی کرد. در جریان رسیدگی به پرونده ساختگی ساواک، رفیق امیر خسروی دادگاه راه تریبونی علیه رژیم منفور پهلوی مبدل ساخت و تقبل و دغلبازی آنرا بر ملا کرد. همبستگی بین المللی شخصیتها سازمانهای مترقی و افشاکاری در دادگاه موجب شد که دادگستری فرانسه تقاضای استرداد دولت ایران را رد کرد. ساواک شکست خورد و ولی ازبای نشنست. بار دیگر در سال ۱۳۵۵، در جریان تیراندازی به کاوسی (رئیس ساواک در فرانسه)، در اثر تشبیهات ساواک، رفیق امیر خسروی برای مدت کوتاهی بازداشت شد. رفیق امیر خسروی بلافاصله پس از انقلاب به ایران بازگشت، تا به فعالیت حزبی و انقلابی خود ادامه دهد.

## محمد آزادگر ترکمن پور

رفیق محمد آزادگر در سال ۱۳۲۹ در یک خانواده توده ای پدیا آمد. در دوره دبیرستان با مسایل سیاسی آشنا شد و مبارزات سیاسی خود را از سال ۱۳۴۷ یعنی زمانیکه ۱۸ سال پیش نداشت آغاز کرد. وی در سال ۱۳۴۹ به خاطر شور انقلابی برای گذراندن دوره تعلیماتی روانه فلسطین گردید، ولی در عراق دستگیر شد و بعد از مدتی زندان دوباره به ایران بازگشت. در پائیز ۱۳۵۰، در ایام باصلاح جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، به علت فعالیت برای افشاء و رسوا کردن این نمایشات مضحک و مبتذل، دستگیر و پس از ۱۱ ماه حبس، آزاد گردید. رفیق محمد آزادگر در سال ۵۳ هنگام تحصیل در دانشگاه مشهد، به یگان خود ادامه داد. وی بعد از ادامه مبارزه دست از تحصیل کشید. رفیق آزادگر در سال ۵۳ در گروه حکمت جو - تیزابی راهپیمان نهاد این گروه بعد از فعالیت های چشمگیر که در بعضی موارد بعد کشوری داشت، بدست ساواک کشف شد و اعضای آن دستگیر شدند. رفیق محمد آزادگر پس از ماهها شکنجه، به حبس ابد محکوم شد. رفیق آزادگر در نتیجه مبارزات قهرمانانه خلقهای ایران در ۲۷ آبان ۵۷ بدست مردم رزمنده ایران، همسرش دیگر مبارزان، از زندان آزاد گردید و اندکی پس از آزادی از زندان، در دوران بهنجاری خائن، هنگامیکه نیروهای راستین انقلاب برای قیام مسلحانه توده های تدارک می دیدند، رفیق آزادگر یکبار دیگر در حین حمل اسلحه بازداشت شد و در آستانه انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ از زندان رهایی یافت. رفیق آزادگر پس از انقلاب همچنان در سنکر حزب توده ایران به یگان خود ادامه میدهد.

## لید محمد چنان آهنگر

محمد برادران آهنگر، در ۱۳۲۴ در تهران متولد شد. وی در دوران دبیرستان با مسایل سیاسی آشنا شد و مبارزات سیاسی خود را از سال ۱۳۴۷ یعنی زمانیکه ۱۸ سال پیش نداشت آغاز کرد. وی در سال ۱۳۴۹ به خاطر شور انقلابی برای گذراندن دوره تعلیماتی روانه فلسطین گردید، ولی در عراق دستگیر شد و بعد از مدتی زندان دوباره به ایران بازگشت. در پائیز ۱۳۵۰، در ایام باصلاح جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، به علت فعالیت برای افشاء و رسوا کردن این نمایشات مضحک و مبتذل، دستگیر و پس از ۱۱ ماه حبس، آزاد گردید. رفیق محمد آزادگر در سال ۵۳ هنگام تحصیل در دانشگاه مشهد، به یگان خود ادامه داد. وی بعد از ادامه مبارزه دست از تحصیل کشید. رفیق آزادگر در سال ۵۳ در گروه حکمت جو - تیزابی راهپیمان نهاد این گروه بعد از فعالیت های چشمگیر که در بعضی موارد بعد کشوری داشت، بدست ساواک کشف شد و اعضای آن دستگیر شدند. رفیق محمد آزادگر پس از ماهها شکنجه، به حبس ابد محکوم شد. رفیق آزادگر در نتیجه مبارزات قهرمانانه خلقهای ایران در ۲۷ آبان ۵۷ بدست مردم رزمنده ایران، همسرش دیگر مبارزان، از زندان آزاد گردید و اندکی پس از آزادی از زندان، در دوران بهنجاری خائن، هنگامیکه نیروهای راستین انقلاب برای قیام مسلحانه توده های تدارک می دیدند، رفیق آزادگر یکبار دیگر در حین حمل اسلحه بازداشت شد و در آستانه انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ از زندان رهایی یافت. رفیق آزادگر پس از انقلاب همچنان در سنکر حزب توده ایران به یگان خود ادامه میدهد.

## راهب (محمد) پور اسماعیل

رفیق راهب (محمد) پور اسماعیل در سال ۱۳۳۱ در یک خانواده روستائی متولد شد. وی فعالیت سیاسی خود را زمانی آغاز کرد که دوران تحصیل خود را در دبیرستان فردوسی تبریز میگذراند. رفیق پور اسماعیل از رفقای خود در سال ۱۳۴۹ محفلی در زنوز بوجود آورد. در این محفل بود که وی توانست بیشتر و بیشتر به پیشتر به موضع حزب توده ایران، چون تنها سنکر راستین انقلابیون و قواد به آمل زحمتکشان نزدیک گردد. رفیق راهب پور اسماعیل در سال ۱۳۵۰ به خدمت سربازی احضار شد و پس از اتمام دوران خدمت برای ادامه تحصیل به دانشسرای اراک راهی گردید. در آنجا در حین مبارزه و تماس با دیگر رفا در زنجان به افتخار خود در جمع به حزب توده ایران انجمن بیشتری بخشید. در سال ۱۳۵۵ رفیق راهب پور اسماعیل در راهنامه تحصیلی مراغه مشغول تدریس شد و با ارتباط کاملاً دوستانه ای که با شاگردان خود برقرار داشت، در سال ۱۳۵۵ از آنجا برقرار ...

نمود، توانست در اواخر آگاهی سیاسی شاگردان خود تأثیر فوق العاده چشمگیر داشته باشد و همین امر باعث شد که عده ای از دبیران و مسوولان دبیرستان تاب تحمل نیاوردند و با ایجاد موانع مختلف به مقابله برخاستند. بعد از یکسال رفیق پور اسماعیل به زنوز منتقل شد و در آنجا شروع به تدریس کرد. رفیق در رابطه با محفلی سیاسی که قبلاً بوجود آورده بود و با تماس نزدیک با شاگردان خود توانست جو را در زنوز بوجود آورد که رژیم خودکامه محمد رضا شاهی را در آن منطقه بوحش انداخت. ساواک و داریه حفاظت شروع به توطئه کردند و رفیق پور اسماعیل را به یکی از دهات دور افتاده بنام یگان کهریز منتقل کردند. ولی فعالیت رفیق پور اسماعیل به حد نرفته بود. دانش آموزان به طور دسته جمعی برای اولین بار به اداره آموزش و پرورش مرد ریختند و با اعتراض همگانی خود خواستار بر گشت دبیر محبوب و مبارز خود شدند و رسای اداره آموزش و پرورش منطقه بناچار تسلیم خواست بر حق دانش آموزان شدند و رفیق پور اسماعیل دوباره کار خود را در زنوز شروع کرد. رفیق پور اسماعیل همرا با اوج گیری مبارزات قهرمانانه خلقهای ایران به دریای خروشان خلق پیوست و در جریان اعتصاب معلمین جزء همیشه نشی را با بترین انتخاب شد. وی پس از پیروزی انقلاب نیز تمام نیروی خود را برای پیشبرد منشی حزب و امر انقلاب بکار انداخته است.

## حسین حکیمی

رفیق حسین حکیمی در سال ۱۳۱۳ درخوی پدیا آمد و از اوان جوانی به مبارزات ضد فاشیستی و ضد استبدادی خلقهای ایران بخصوص خلق آذربایجان پیوست و تا سال ۱۳۳۲ درخوی به مبارزه خود ادامه داد. وی بدنبال کودتای ۲۸ مرداد مجبور به ترک زادگاه خود گردید و عازم تهران شد. در تهران در حین تحصیل در مدرسه دارالفنون تا سال ۱۳۳۶ به مبارزه خود ادامه داد. رفیق حسین حکیمی در سال ۱۳۳۶ برای ادامه تحصیل عازم خارج کشور شد و در آنجا در تدارک و سازماندهی مبارزات سیاسی دانشجویان شرکت و نقش فعال داشت. رفیق حکیمی در دوران انقلاب شکوهمند خلقهای ایران وارد ایران شد تا در سنکر حزب توده ایران به مبارزه خود ادامه دهد.

## سلیمان رسولی

رفیق سلیمان رسولی در سال ۱۳۲۵ در یک خانواده کارگری متولد شد. وی دوران تحصیل را به علت ضعف مالی خانواده، همراه با کار به پایان رساند. در دوران تحصیل در دانشسرای راهنامه تحصیلی در تهران، به علت پیش طبعاتی خود، که آن را از زندگی کسب کرده بود، نتوانست میدان مبارزه را محدود به محیط بسته دانشسرا نماید. وی در اوایل سال ۵۷ ترک تحصیل کرد و همراه خلقهای قهرمان ایران به مبارزه علیه رژیم خونخوار شاهنشاهی ادامه داد. رفیق سلیمان رسولی بعد از انقلاب و در شرف شرف مقدس معلمی، یکبارگی امان خود را علیه باقی مانده رژیم خونخوار محمد رضا شاهی در سنکر حزب توده ایران در اردبیل ادامه می دهد.

رفیق محمد آزادگر در سال ۵۳ هنگام تحصیل در دانشگاه مشهد، به یگان خود ادامه داد. وی بعد از ادامه مبارزه دست از تحصیل کشید. رفیق آزادگر در سال ۵۳ در گروه حکمت جو - تیزابی راهپیمان نهاد این گروه بعد از فعالیت های چشمگیر که در بعضی موارد بعد کشوری داشت، بدست ساواک کشف شد و اعضای آن دستگیر شدند. رفیق محمد آزادگر پس از ماهها شکنجه، به حبس ابد محکوم شد. رفیق آزادگر در نتیجه مبارزات قهرمانانه خلقهای ایران در ۲۷ آبان ۵۷ بدست مردم رزمنده ایران، همسرش دیگر مبارزان، از زندان آزاد گردید و اندکی پس از آزادی از زندان، در دوران بهنجاری خائن، هنگامیکه نیروهای راستین انقلاب برای قیام مسلحانه توده های تدارک می دیدند، رفیق آزادگر یکبار دیگر در حین حمل اسلحه بازداشت شد و در آستانه انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ از زندان رهایی یافت. رفیق آزادگر پس از انقلاب همچنان در سنکر حزب توده ایران به یگان خود ادامه میدهد.

## رضا نباتی

رفیق نباتی در سال ۱۳۰۱ در اهرنیا متولد شد و در اوان جوانی برای تاهمین نیازهای خانواده به کارنجاری روی آورد. در سال ۱۳۲۲، بعد از آشنایی با مسایل سیاسی و شرکت در مبارزات ضد فاشیستی، به عضویت حزب توده ایران درآمد. بعد از تأسیس فرقه دمکرات آذربایجان، رفیق نباتی به صفوف فرقه پیوست. در ...

## مجید نیکی

رفیق مجید نیکی در سال ۱۳۳۲ متولد شد. وی تحصیلات خود را در تبریز به پایان رسانید. بعد از اخذ دیپلم، شور انقلابی و عشق به توده های زحمتکش او را واداشت که همباند همگان برود و بعد از مدتی شرف مقدس معلمی را اختیار کند. رفیق نیکی مدت چهار سال در میان ...

واقع شده ۲۱ آذر ۱۳۲۵ و قتل و کشتار شاه مخلوع در آذربایجان تمام داری و زندگی بفرات رفت. رفیق نباتی تا ۱۵ بهمن ۱۳۴۷ همچنان به فعالیت خود در شرایط خفقان آن دوران در آذربایجان ادامه داد و بعد از توطئه علیه حزب توده ایران در ۱۵ بهمن ۱۳۴۷، توسط حکومت نظامی بازداشت شد. بعد از آزادی، رفیق نباتی بعنوان مسئول تشکیلات حزب توده ایران در اهرنیا بود تا کودتای ننگین ۲۸ مرداد، در مبارزه خود ادامه داد. وی در جریان کودتای ۲۸ مرداد بازداشت شد و بعد از آزادی دوباره به فعالیت خود ادامه داد. رفیق نباتی با رفقای شهید کلاتری، عظیمی، فروغی، آذری، زحمتاب تماس ...

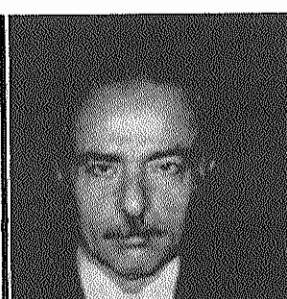
برقی ار کرد و بعد از لورین رفا کلاتری و دیگران، رفیق نباتی توسط ساواک دستگیر و به ۱۵ سال زندان محکوم گردید. وی پس از آزادی به مبارزه خود ادامه داد و در انقلاب بزرگ خلقهای ایران فالانه شرکت کرد و اینک نیز فالانه به انجام وظایف حزبی و انقلابی خویش مشغول است.

رفیق نیکی مدت چهار سال در میان ...

رفیق آزادگر در سال ۵۳ هنگام تحصیل در دانشگاه مشهد، به یگان خود ادامه داد. وی بعد از ادامه مبارزه دست از تحصیل کشید. رفیق آزادگر در سال ۵۳ در گروه حکمت جو - تیزابی راهپیمان نهاد این گروه بعد از فعالیت های چشمگیر که در بعضی موارد بعد کشوری داشت، بدست ساواک کشف شد و اعضای آن دستگیر شدند. رفیق محمد آزادگر پس از ماهها شکنجه، به حبس ابد محکوم شد. رفیق آزادگر در نتیجه مبارزات قهرمانانه خلقهای ایران در ۲۷ آبان ۵۷ بدست مردم رزمنده ایران، همسرش دیگر مبارزان، از زندان آزاد گردید و اندکی پس از آزادی از زندان، در دوران بهنجاری خائن، هنگامیکه نیروهای راستین انقلاب برای قیام مسلحانه توده های تدارک می دیدند، رفیق آزادگر یکبار دیگر در حین حمل اسلحه بازداشت شد و در آستانه انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ از زندان رهایی یافت. رفیق آزادگر پس از انقلاب همچنان در سنکر حزب توده ایران به یگان خود ادامه میدهد.

## ۸ مارس، روز جهانی زن را گرامی بداریم

هواداران و همجنس زنان و مردان ترقی خواه دعوت می کنیم با شرکت در این مراسم، این روز را گرامی بدارند. تشکیلات دمکراتیک زنان ایران به منظور گرامی داشت ۸ مارس (۱۷ اسفند)، روز جهانی زن، ساعت ۵ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۶ اسفند، مراسم سخنرانی همراه با نمایشگاه عکس در سالن ورزشی دانشگاه صنعتی شریف برگزار می کند. در این مراسم اندیشمندان، شعراء مردمی و مبارزان راه استقلال و آزادی ایران سخن خواهند گفت. از کلیه اعضا و ...



یا او آشنا ۲۸ مرداد ۱۳۲۵، در اهرنیا متولد شد. وی در دوران دبیرستان با مسایل سیاسی آشنا شد و مبارزات سیاسی خود را از سال ۱۳۴۷ یعنی زمانیکه ۱۸ سال پیش نداشت آغاز کرد. وی در سال ۱۳۴۹ به خاطر شور انقلابی برای گذراندن دوره تعلیماتی روانه فلسطین گردید، ولی در عراق دستگیر شد و بعد از مدتی زندان دوباره به ایران بازگشت. در پائیز ۱۳۵۰، در ایام باصلاح جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، به علت فعالیت برای افشاء و رسوا کردن این نمایشات مضحک و مبتذل، دستگیر و پس از ۱۱ ماه حبس، آزاد گردید. رفیق محمد آزادگر در سال ۵۳ هنگام تحصیل در دانشگاه مشهد، به یگان خود ادامه داد. وی بعد از ادامه مبارزه دست از تحصیل کشید. رفیق آزادگر در سال ۵۳ در گروه حکمت جو - تیزابی راهپیمان نهاد این گروه بعد از فعالیت های چشمگیر که در بعضی موارد بعد کشوری داشت، بدست ساواک کشف شد و اعضای آن دستگیر شدند. رفیق محمد آزادگر پس از ماهها شکنجه، به حبس ابد محکوم شد. رفیق آزادگر در نتیجه مبارزات قهرمانانه خلقهای ایران در ۲۷ آبان ۵۷ بدست مردم رزمنده ایران، همسرش دیگر مبارزان، از زندان آزاد گردید و اندکی پس از آزادی از زندان، در دوران بهنجاری خائن، هنگامیکه نیروهای راستین انقلاب برای قیام مسلحانه توده های تدارک می دیدند، رفیق آزادگر یکبار دیگر در حین حمل اسلحه بازداشت شد و در آستانه انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ از زندان رهایی یافت. رفیق آزادگر پس از انقلاب همچنان در سنکر حزب توده ایران به یگان خود ادامه میدهد.

چرا برای حل مسأله زمین جهت مسکن کارگران صنعت نفت چاره‌ای نمی‌اندیشید؟

دیرزمانی است که تعاونی مسکن کارگران صنعت نفت جنوب در برابر دریافت میلی از کارگران، قول داده که زمینی به مساحت ۳۶ هکتار تهیه و در اختیار آنان قرار دهد، تا کارگران بتوانند با کوشش خود از خانه بدوشی، که میراث شوم رژیم پهلوی است، رها شوند.

کارگران بخاطر رعایت انضباط کار از مراجعه شخصی به مسئولین مربوطه خودداری کردند و این کار را به شورای اسلامی کارکنان صنعت نفت محول کردند. اما هر بار مسأله طرح شده و مسئولین دعوت به پاسخگویی شده‌اند، از دادن جواب روشن به عنوان گوناگون شانه‌خالی کرده‌اند. یکبار از خراب شدن باشگاه گلف، که در داخل این قطعه زمین قرار گرفته، اظهار تاسف کردند. بار دیگر بانه آورده که قطعه زمین ۳۶ هکتاری جزو مخازن نفتی است و استفاده از آن جایز نیست. نمایندگان کارکنان با دلایل قانع کننده و ارائه نقشه‌های مربوطه در حضور مسئولین شرح دادند که زمین مذکور در داخل محوطه مخازن نفتی نیست و در حاشیه قرار گرفته است. از این نظر نباید در این امر حیاتی برای کارگران اشکالاتی کرد. شورای اسلامی کارگران در نشست عمومی خود با توجه به اصرار کارگران در تحقق این خواست عریض و منبسط شده است. از مدیران خواست چنانچه به مسئولیت‌های خود عمل نکنند و بخواهند کارگران را دست‌به‌سر کنند، مسئول پی آمدهای آن، که مسلماً نفع انقلاب نیست، هستند. لازم به یادآوری است که تاکنون نمایندگان مومن و متعهد به انقلاب تلاش کرده‌اند تا کارگران را از دست زدن به روش‌هایی که بشر انقلاب و تثبیت دستاوردهای آن است، بازدارند.

شورای اسلامی کارکنان در جلسه عمومی خود از نماینده تام‌الاختیار معاون وزیر نفت خواست که با تأیید مدت‌زمانی که خود ایشان موافقت، به گرفتاری کارگران خاتمه داده شود. سرانجام موافقت شد که پس از ده روز نتیجه را در زمینه حل این مشکل به اطلاع عموم برسانند. کارگران با بردباری و بی‌گیری در انتظار نتایج امیدبخش این مذاکرات هستند.

کوی کارگران نساجی شماره ۲ مازندران را چگونه ساخته‌اند؟

ساختمان کوی مسکن کارگران نساجی مازندران (شماره ۲)، که از طرف بانک رفاه کارگران به شرکت جاده واگذار شده بود، اکنون مراحل نهایی را طی می‌کند. این واحد مسکونی از هزار دستگاه خانه تشکیل شده است. خانه‌ها دارای امکانات رفاهی از جمله حمام و سرویس هستند. قبلاً قرار بود بانک رفاه خانه‌ها را بسازد و هزینه ساختمان آن را کارخانه یکجا بپردازد، کارگران نیز می‌بایست با پرداخت اقساط بیست‌ساله آن‌ها را خریداری کنند. در حال حاضر شواهد فروش خانه‌ها به کارگران (پس از انقلاب) مشخص نیست. کارگران به طرح ساختمان‌ها ایراداتی را وارد می‌دانند که از جمله می‌توان به‌صورت نمودار آن را ذکر کرد. به این ترتیب خانواده‌ها ناگزیرند بیشتر اوقات پنجره‌ها را بسته و پرده‌ها را بکشند، به‌بازر دیگر ستون‌های عریض و اخلاقی در طرح ساختمان‌ها منظور نشده است، بطوری که یکی از این کارگران می‌گفت: «مثل این که این خانه‌ها را برای اروپائیان ساخته‌اند».

زمین‌های زیرین، که قبلاً بیشتر شالیزار بوده و رطوبت‌خیز است، خانه‌ها تقریباً هم‌سطح زمین‌اند و اگر دیوارها با حایق کاری قیروگونی رطوبت‌خیز نباشند، ولی کف خانه‌ها همواره نمور خواهد بود.

هرچند بعضی از کارگران، که از اجاره نشینی به تنگ آمده‌اند، مسکن است را می‌پسندند و اگر دیوارها با حایق کاری ولی بیشتر کارگران معتضضند.

کارگران بیکار «نان شهر» کرج: تا تحقق خواست‌های پیمان به مبارزه ادامه می‌دهیم

کارگران بیکار نان‌شهر، طی نامه‌ای خطاب به فرمانداری شهرستان کرج، پس از تشریح وضع خود و سهل‌انگاری افراد ذیصلاح، خواست‌های خود را عنوان کردند. کارگران اعلام کردند که تا تحقق خواست‌هایشان دست از مبارزه نخواهند کشید. کارگران نان‌شهر طی سیزده ماه گذشته بارها مشکلات خود را با مسئولین امر مطرح کردند و گوش شنوایی نیافتند. برعکس، هنوز هم مسئولین «نان‌شهر» با وام‌های چند میلیون‌تومانی که بنام کارگران دریافت می‌کنند، جیب خود را پر می‌کنند. از طرف دیگر این کارخانه می‌توانست با استفاده از یک میلیون تومانی (که در ادیسیست ماه از طرف بنیاد مستضعفین به مدیر عامل تحویل شد) از نو شروع به کار کند، ولی پس از شش‌ماه وام دیگری به همین مبلغ به آقایان تحویل شد. این مبلغ را نیز مسئولین «نان‌شهر» بین خود تقسیم کردند! مواد اولیه کارخانه نیز بوسیله ایشان حیف و میل شد. و هیچ مقام مسئولی بداد کارگران نرسید و چپاول ادامه یافت.

کارگران ناچار شدند برای رساندن فریاد حق طلبانه خود به گوش مقامات مسئول به‌شدیدترین وجه مبارزه کنند و این مبارزه هم اینک ادامه دارد. خواست‌های کارگران در رابطه با تعطیلی کارخانه و غارتگری‌ها بشرح زیر است: ۱- بازگشایی مجدد کارخانه در اسرع وقت، ۲- پرداخت حقوق سیزده‌ماه سرگردانی کارگران، ۳- محاکمه مدیر عامل و رئیس کارخانه، ۴- مسدود اموال نامبردگان به نفع کارگران نان‌شهر، ۵- تعطیل کردن دفتر مرکزی کارخانه و انتقال دستگاه‌های موجود در آن به کارخانه.

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

شوراوسندیکا هر دو، لازم‌اند

در دو هفته اخیر یک‌کنگره و یک

سمینار برای بررسی مسایل شوراهای

کارخانه‌ها در تهران تشکیل شد. مسایل

مطروحه در این دو گردهمایی نشان می‌دهد

که در تعیین حدود وظایف و اختیارات

شوراهای، ناروشتی و سردرگمی جدی وجود

دارد. این سردرگمی و ناروشتی هم ناآگاهانه

است و غیر عمد و هم آگاهانه و عمد.

شوراهای در کشور ما نهادهایی هستند جوان و نوریست و بدون پشتوانه تجربیات لازم. بنا بر این طبیعی است که هنوز برای همه اقدار مردم، مرزهای وظایف و اختیارات آنها دقیقاً روشن نباشد و این مرزها را گام تنگ سازند و گام‌گسترش دهند. اما صرف نظر از این پدیده طبیعی، دست‌هایی نیز در کار است تا با انگیزه‌های معین مرزها را دامن‌دوش کنند و سردرگمی بوجود آورند. انگیزه تلاش‌های عدوی برای ایجاد سردرگمی درباره شوراهای کارگران است.

۱) عده‌ای اصولاً معتقد به نظام شورایی نیستند، به شرکت توده‌ها در اداره کشور و به مبارزه توده‌ها اعتقادی ندارند و از این جهت سعی دارند شوراهای را از محتوی مردمی خود تهی سازند و بساط سندیکاها را برچینند. نمونه آن بخشنامه دولت موقت درباره شوراهای بود، که عدم شوراهای آنچنانی به از وجودشان بود.

۲) کسانی یا تشکیل سندیکای کارگران علی‌الاصول مخالفند. آنها آشتی میان طبقات را تبلیغ می‌کنند و چون بخواهند میدانند که سندیکاها سازمان‌هایی دفاع از منافع طبقاتی کارگران علیه تعدی و ستم کارفرمایان‌اند، می‌خواهند ضرورت وجود سندیکاها را لوٹ کنند و شوراهای را جانشین سندیکا سازند. از میان این کسان برخی این عقیده را آشکارا بیان می‌کنند و بعضی دیگر زیر پرپوش بهانه‌های گوناگون، مقصد اصلی خویش را پنهان می‌دارند. بطور عمده در این زمینه با استدلالات زیرین رو برهنه‌ستیم.

سندیکاها ساخته و پرداخته سرمایه‌داران هستند. اگر در گذشته سندیکاها در برابر کارفرمایان قرار می‌گرفتند و کار را به اعتصاب می‌کشاندند، این یک بازی عوام‌فریبانه سازشکارانه در جهت حمایت از کارفرما و سرمایه‌دار بود.

اکثریت سندیکاهای قبلی را عوامل خود فروخته، جاسوس، اعتصاب شکن، ساواکی و مزدوران کارفرما تشکیل می‌دادند. بدینجهت لزوم ایجاد تشکیلات جدیدی بنام سندیکا احساس می‌شود.

در سندیکاهای کارگران با ایدئولوژی‌های متفاوت عضویت دارند که باعث بروز برخورد در درون تشکیلات کارگری می‌شود. در شوراهای باید مانع از آن شد که افراد با ایدئولوژی‌های متفاوت وارد شوند.

سندیکاها فقط به مسایل صنفی می‌پردازند. در پاسخ به هر یک از این استدلالات می‌توان صفحات بسیار نوشت، اما تا آنجا که درجه یک مقاله «مردم» می‌کنند، پاسخ چنین است:

تا زمانی که در جامعه مالکیت خصوصی وجود دارد، تا زمانی که در جامعه طبقاتی با منافع متضاد وجود دارد، تا زمانی که قراردادها، که یکی استثمار می‌کند و دیگری استثمار می‌شود، مبارزه طبقاتی ادامه خواهد یافت و نمی‌توان بطور مصنوعی میان طبقات دارای منافع متضاد آشتی برقرار کرد. سندیکاها، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی از آنها بعنوان «انجمن‌های صنفی» یاد شده، تنها سازمان‌هایی‌اند که منافع کارگران‌اند که تا هنگام محو کامل استثمار و برانداختن مالکیت خصوصی، بخاطر حقوق صنفی و سیاسی کارگران مبارزه می‌کنند و بنا بر این اساس مالکیت خصوصی و از میان برداشتن استثمار، وظیفه آنان در تحول تأمین رفاه هر چه بیشتر زحمتکشان و ارتقاء شرایط کار و زندگی آنان در پیوند با نهاد‌های دولتی، که از خود زحمتکشان است، دور خواهد زد.

سندیکاها ساخته و پرداخته سرمایه‌داران نیستند، بلکه نهاد‌های اصیل مبارزه کارگران علیه نظام سرمایه‌داری و بهره‌کشی هستند. روشن‌ترین گواه این مدعا، تلاش دوزخی رژیم پهلوی برای انجمن برداشتن سندیکاهای اصیل کارگری و نشان دادن سندیکاهای فرمایشی بجای آنان بود. اگر سندیکاها، آلتی که مخالفان آن می‌خواهند و دوست‌داران سندیکاهای سازش‌پسرایان دفاع از منافع آنان بود، رژیم ضد کارگری پیشین‌نازای نداشت تا سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری قبل از ۲۸

مردان را غیر قانونی کند، رهبران و فعالین آنها را زندانی و تبعید نماید، سندیکاهای قلابی ایجاد کند و مزدوران و جاسوسان خود را بر سر آنها بکشد و آنها را در خدمت رژیم - که مدافع سرمایه‌داران بود- قرار دهد. دستاوردهای سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری قبل از کودتا، چنان درخشان است که نمی‌توان به آسانی آنرا انکار کرد. نخستین قانون کار، علیرغم نقایص آن، دستاورد تشکیلات کارگران در سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری است، که مشیت سنگین آن سرانجام دولتهای مرتجع و قتل‌محور به تدوین و تصویب قانون کارگرد. تکیه بر این استدلال نادرست، که چون بر اساس سندیکاهای بداند ۲۸ مرداد عوامل خود فروخته و ساواکیها قرار داشته‌اند، پس باید سندیکاهای فراموش کرد، جز سفسطه‌ای بیش نیست. در رژیم ضد مردمی شاه متخلف، همه نهاد‌های مردمی و از جمله احزاب و سندیکاها منع شدند، احزاب ملی‌مترقی سرکوب شدند و جای آن‌ها را احزاب فرمایشی گرفتند، سندیکاها از ادامه فعالیت محروم ماندند و سندیکاهای قلابی بجای آنها نشستند. همانطور که نمی‌توان بدلیل وجود احزاب فرمایشی در دوران رژیم پهلوی، ضرورت احزاب را انکار کرد، همانطور که نمی‌توان بدلیل وجود سندیکاهای قلابی در ۲۸ سال پس از کودتا، سندیکاهای بطور کلی نفی نمود. مگر می‌توان این امکان را حذف کرد که عناصر خود فروخته خرچین و ساواکی‌های بازمانده از رژیم پهلوی، در دوران نهادهای و از جمله شوراهای مهم‌توانند نفوذ کنند؟ چاره آنست که با پشتیباری از زحمتکشان افراد ناپاب و مخرب در رهبری شوراهای و سندیکاها جلوگیری کرد و ته‌آن‌که بدلیل وجود چنین افرادی، نهاد‌های مردمی را نفی نمود.

۳) شرط عضویت در شوراهای و نیز سندیکاها به وجه داشتن ایدئولوژی معین نیست. بموجب قانون اساسی جمهوری اسلامی، در شوراهای نمایندگان کارگران، کارکنان و کارفرما شرکت دارند، که اداره تولید را در دست خواهند گرفت و هیچ‌چیز نمی‌توان شرط عضویت در شورا را قبول ایدئولوژی معین دانست، زیرا مسئله شرکت در تصمیم‌گیری‌ها و نظارت بر روند کار واحدهای تولیدی ربطی به این یا آن ایدئولوژی ندارد. در سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری نیز تمام کارگران یک‌صنف، یک حرفه، یک رشته اصنایع، صرف نظر از عقاید و مواضع سیاسی و مسلکی خود، حق عضویت خواهند داشت. قطعه‌ای احزاب سیاسی است که مذهبیت ایدئولوژی‌های گوناگون امکان‌پذیر نیست و زحمتکشان ایدئولوژیک، سنگ‌بستی تشکیل یک حزب سیاسی است.

این استدلال که سندیکاها فقط به مسایل صنفی می‌پردازند نیز درست نیست. در جامعه طبقاتی هر زحمتکشان باید در میان مبارزه برای خواست‌های صنفی و مبارزه برای خواست‌های سیاسی وجود دارد.

صرف نظر از شرکت فعال سندیکاها در مبارزات سیاسی عموم خلق، مانند مبارزه علیه امپریالیسم، مبارزه علیه سرمایه‌داری وابسته، مبارزه بخاطر صلح و غیره، مبارزات صنفی کارگران در غالب موارد با سیاست‌های مشخص دولتها برخورد می‌کند و به مبارزه سیاسی بدل می‌شود. مثلاً در دوران سلطه سیاست «کام بکام» بر کشور ما، مبارزه زحمتکشان در مخالفت با اعطای وام اعتبار به سرمایه‌داران وابسته و هیما نکلان فقط مبارزه صنفی نبود، بلکه مبارزه سیاسی هم بود و یا هم اکنون مبارزه زحمتکشان برای قطع وابستگی اقتصادی به امپریالیسم و یا مبارزه برای ملی کردن بازرگانی خارجی، که محتوی بظواهر اقتصادی دارد و مستقیماً بر زندگی زحمتکشان تأثیر می‌گذارد، در عین حال یک مبارزه سیاسی است.

۴) از سوی نیروهای چپ‌رو و چپ نما نیز تلاش‌هایی برای نفی سندیکاها و گسترش مرزهای اختیارات و وظایف شوراهای به عمل می‌آید که انگیزه آن تبدیل شوراهای موجود به شوراهای است که با تکیه بر آنان باید انقلاب را تازاند، تا به انقلاب سوسیالیستی فرا رود! این تلاش که بی‌توجه به مرحله انقلاب ایران و شرایط مشخص کنونی جامعه صورت می‌گیرد، متأسفانه برخی از کارگران و زحمتکشان را به کجراهه کشانده است.

در بحث‌های کنگره شوراهای اسلامی و سمینار بررسی مسایل شوراهای مطالبی طرح شده است که با واقعیت کشور موافقت ندارد و انجام وظایفی از شوراهای طلب شده، که عملاً در حیطه اختیارات شوراهای نیست. آنها که از شوراهای همه چیز می‌خواهند چنین می‌گویند: - تا زمانی که شخصی بنام کارفرما در کارخانه‌ها وجود داشته باشد، صحبت از شورا عبث است، - شورا بطور کلی در مالکیت خصوصی بی‌معناست، - شورا باید به حاکمیت سرمایه‌داران پس ابرار تولید پایان دهد،

مدیران را بیرون بریزند، حکومت مال کارگران است. - اعضاء شورا باید از مصونیت سیاسی برخوردار باشند. - تمام درآمد یک واحد تولیدی باید متعلق به کارگران آن واحد باشد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای این مرحله از انقلاب ایران بدرستی بخش خصوصی را در اقتصاد کشور پسندیده و ضوابطی نیز برای آن تعیین نموده است. در اینصورت تا زمانی که مالکیت خصوصی برابری تولید، ولو در چارچوب معین، قبول شده است، سخن از حکومت کارگران یک‌شمار فاسد محتوی است. قانون اساسی شوراهای مرکب از نمایندگان کارگران کارکنان، و مدیران می‌داند. بنا بر این شمار مدیران کارفرمایان را بیرون بریزند، شادری توخالی در شرایط مشخص کنونی جامعه ماست. اینکه در میان کارگران تبلیغ شود که تمامی درآمد واحد تولیدی باید متعلق به کارگران آن واحد باشد، شادری سرباز نادرست و تخیلی است، زیرا اگر قرار باشد تمام درآمد واحد تولیدی میان کارگران آن واحد تقسیم شود، الا سهم جامعه چه می‌شود و درآمد ملی از کجا باید تأمین کرد و لایقاً چگونه می‌توان تبعیض ناروا میان کارگران یک واحد تولیدی بر درآمد و واحدهای تولیدی کرد؟ این را توضیح داد: آنها که چنین شماره‌های فریبنده را به تحویل داد، که با اجرای آن بطور کلی غیر عملی و بی‌معنی است، اما اجرای آن ناممکن است، به بیان کارگران می‌رسند و آنرا تبلیغ می‌کنند، جز ایجاد سردرگمی کاری نمی‌کنند.

برخی از کارگران، از آنجا که طی سال‌های آماج وحشیانه‌ترین استثمار بوده‌اند و دست‌نشان‌ریسا کارفرمایان غارت شده است، آمادگی پذیرش چنین شادری‌ها را دارند و به آسانی در دام اینگونه تبلیغات نادرست پامی‌نهند. آنها بدون توجه به شرایط مشخص خواست‌هایی را مطرح می‌کنند که اگر هم منطقی باشد زمان طرح آن امر زودست.

قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل تشکیلات شوراهای تولیدی و چارچوب کلی آنرا، که «تأمین کنندگان اصلی، همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور واحدهای تولیدی، صنفی و کشاورزی» است، تعیین نموده است. حدود وظایف و اختیارات شوراهای باید با تدوین و تنظیم قوانین مربوط مشخص شود.

حزب توده ایران نیز نظر خود را درباره این نظام شورایی و ترسیم عمومی‌ترین خطوط آن در روزنامه «مردم» انتشار داده است. ما معتقدیم که شوراهای تولیدی در واحدهای دولتی عالیترین ارگان اداره و رهبری کننده آن واحد است، و در بخش تعاونی و بخش خصوصی انفرادی، شورا بهانه ارگان نظارت کارگری و دولتی و نظارت کارمندان و کارکنان دولت بر واحد مربوطه عمل خواهد کرد، بی‌آنکه تصمیم‌گیری نهایی را از صاحب موسسه خصوصی سلب کند، ما تاکید کرده‌ایم که شوراهای جانشین سندیکاها نخواهند شد و قابل اساسی جمهوری اسلامی نیز که تشکیل دهنده‌های صنفی و سندیکاهای مردم شناخته است، بر همین نکته دلالت دارد.

متأسفانه برخی از افراد و ارگان‌های مشرب توجه به مفاد قانون اساسی، مثلاً در صورت ظهور یا سندیکاها و «چرا شورا و نه سندیکا» مطرح می‌کنند عملاً تبلیغ برای شورا است. بعضی از مراجع مشرب بدون توجه به مسئولیت خود در اجرای مفاد قانون اساسی، می‌خواهند شورا را جانشین سندیکا سازند. ما لازم می‌دانیم با زهمت تأکید کنیم که نباید شوراهای تولیدی را یکی گرفت و وظایف سندیکاهای برعهده شورا گذاشت. شوراهای به‌علت ترکیب اعضاء خود، که گروه افرادی با منافع گوناگون و متضاد است، هرگز نمی‌تواند به سازمان‌های دفاع از حقوق ویژه زحمتکشان بدل شود. اگر کارگران خواستار اضافه دستمزد باشند، اگر خواهان تقلیل ساعات کار باشند، اگر بخواهند شرایط کار خود را بهبود بخشند و... شورا که جمعی از کارگران کارکنان و کارگران است، نمی‌تواند برای این خواست مبارزه کند. باین دلیل روشن، که میان شرکت کنندگان در این مجمع اگر در برخی از مسائل تفرقه‌مندی وجود دارد، در مسائل مهم دیگری منافع متضاد وجود دارد. آن سازمانی که تا به آخر از حقوق زحمتکشان دفاع خواهد کرد، سندیکاها (انجمن‌های صنفی) هستند که کارگران بدست خود آنرا ایجاد می‌کنند، اعضاء آن منافع مطالبات مشترک دارند و این منافع و مطالبات آنان را با هم متحد می‌کنند و بهم پیوند می‌دهند.

ما از همه کارگران دعوت می‌کنیم که از چنین تشکیلات صنفی خود، که قانون اساسی برای آنها شناخته است، استفاده کنند و در تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری فعالانه شرکت جویند. تفرقه کارگران به زیان خودشان، بلکه به ضرر انقلاب ایران است. ما از مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی می‌خواهیم که به مفاد مواد ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی درباره انجمن‌های صنفی و شوراهای تولیدی کافی توجه و تسهیلات لازم را برای ایجاد شبکه سازمان سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری فراهم آورند.

تشکیلات کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکاها) ضرورت انقلاب ایران است



